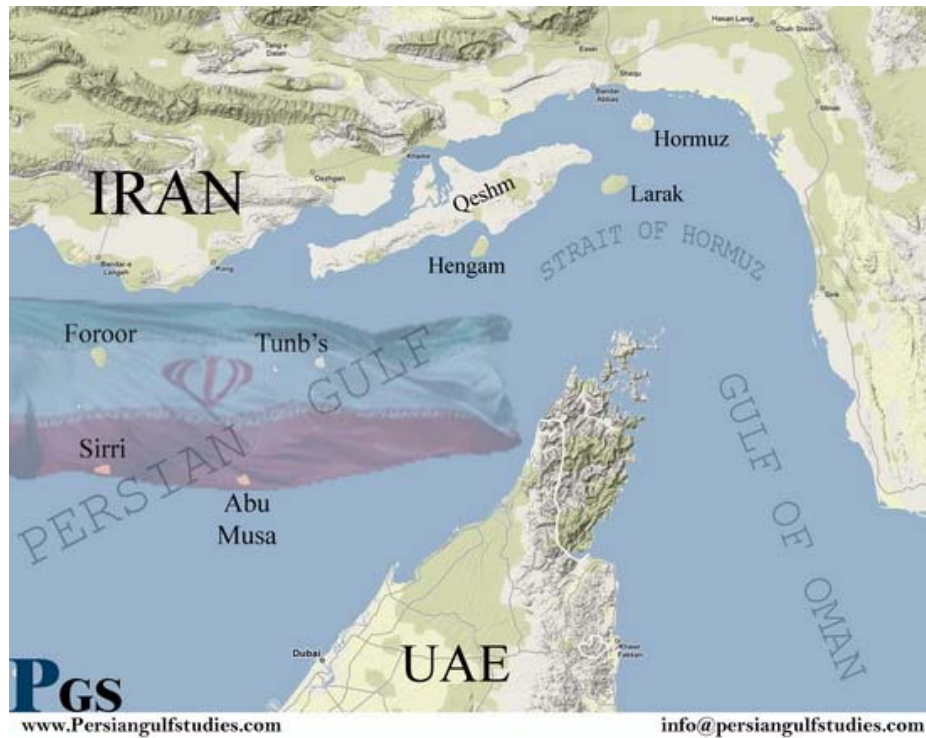




وضعیت حقوقی جزایر سه گانه خلیج فارس

گرد آورنده: روح الله پورطالب

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی اندیشک

چو ایران نباشد تن من مباد

تقدیم به تمام کسانی که ایران را دوست دارن و به ایران افتخار می کنند

چکیده :

در خلیج فارس نزدیک به 130 جزیره کوچک و بزرگ وجود دارد که درباره حاکمیت بر بعضی از آنها بین کشورهای کرانه اش اتفاق نظر وجود دارد . یکی از پرهیاهوترین مسائل مربوط به ادعاهای امارات عربی متحده نسبت به جزایر ایرانی تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی می باشد . بدیهی است که ماهیت چنین ادعایی نمی تواند غیرسیاسی باشد . هر چند که ادله ست و بی بنیان هم بر آن اضافه می شود برای روشن نمودن حق ایران در ادعاهای یاد شده بررسی جوانب تاریخی و حقوقی مسأله در چهارچوب قواعد و اصول حقوق بین الملل مستند به منابع فرانسوی و انگلیسی می تواند ابزاری برای دفاع از امنیت ، حاکمیت و منافع ملی ایران باشد.

کلید واژه :

خلیج فارس ، جزایر سه گانه ، حقوق بین الملل ، جزیره ، تاریخ خلیج فارس

مقدمه :

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران ، توطئه های امپریالیسم ، وجوه مختلفی به خود گرفت که مرحله تجاوز نظامی ، مرحله جنگ مذهبی و مرحله برانگیختن انگیزه های قومی ، از آن جمله است .
طرح مسئله قومیتها در منطقه خلیج فارس به شکل « پان ایرانیسم » ، « پان عربیسم » صورت گرفت و طرح اشغال جزایر ابوموسی و تنب کوچک و بزرگ توسط ایران را در سال 1971 میلادی می توان آخرین توطئه امپریالیسم در این خصوص دانست .

این جزایر با جمعیت کم در دهانه خلیج فارس و تنگه هرمز قرار دارند و منشأ اختلافات میان

ایران و امارات متحده عربی است . مسائل هم ناظر بر این سه جزیره عبارتند از :

1- اقلیت جمعیت و فقدان تاریخ مکتوب سه جزیره

2- مشخص نبودن وضعیت حقوقی سه جزیره و طرفداری بریتانیا از حاکمیت امارات بر جزایر .

3- مشخص نبودن اسناد و مراودات سیاسی ارائه شده توسط بریتانیا درباره جزایر .

بر این اساس خواستار کنونی به مطالبه در رابطه با بررسی موقعیت جغرافیایی تاریخی خلیج فارس و جزایر سه گانه می پردازم و بعد از آن به بررسی وضعیت جزایر از دیدگاه حقوقی و تاریخی می پردازم.

بیان مسئله

آیا جزایر سه گانه متعلق به ایران است ؟؟

فرضیه

متعلق به ایران است

بخش اول

تاریخچه خلیج فارس

خلیج فارس (یا خلیج پارس) در امتداد دریای عمان و در میان شبه جزیره عربستان و ایران قرار دارد خلیج فارس بازمانده گودال بزرگی است که در دوران های گذشته زمین شناسی، فشار آتش فشان های فلات ایران و پایداری فلات عربستان در برابر این واکنش هایکتونیک، سبب ایجاد و توسعه پهنا و ژرفای آن شده است. 1

خلیج فارس از قدیم الایام به این نام معروف بوده است، طبق مدارك به دست آمده به ویژه کتیبه ای که در موقع حفر کانال سوئز از داریوش به دست آمده این خلیج به نام دریای پارس خوانده شده است. مورخان و محققان خارجی دنیای قدیم از آن جمله هرودت، نئارخوس، استرابون، ک.رلیوس رومی و نیز محققان اسلامی نظیر اصطخری، مصعودی، بیرونی، ابن حوقل، مقوسی، مستوفی، ناصر خسرو در آثار و نوشته های خود از آن به نام خلیج فارس یا دریای پارس یاد کرده اند. 2

بطليموس دو قرن قبل از ميلاد اين خلیج را به نام پرسیکوس سینوس یاد کرده که به معنی خلیج فارس است خلیج فارس طبق اسناد موجود از هزاره هفتم قبل از میلاد مورد استفاده تجاری و نظامی ملل دنیای قدیم قرار گرفته است و تمدنهای باستانی بابل، بین النهرین و ایرانیها و یونانیها و اعراب از موقعیت ممتاز و برجسته آن استفاده کرده اند. در کتاب حدودالعالم به عنوان قدیمی ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی که حدود هزار سال قبل تألیف شده است «خلیج پارس از حد پارس برگیرد با پهنای اندك تا حدود سند». داریوش هخامنشی و اسکندر مقدونی هر کدام با اعزام نماینده ای به خلیج فارس درباره آن به تحقیق پرداختند، ساسانیان نیز در سواحل جنوبی نیرو پیاده کردند و یمن و مسقط را به تصرف خود درآوردند. 3

اما پیشینه تاریخی خلیج فارس که مهمترین آبراه جهان است، حدود 5 هزار سال پیش از میلاد می رسد در این دوران بنا به مدارك باستان شناختی، نخستین پیوند بین سرزمینهای گوناگون از طریق این آبراه برقرار شده است.

اما می توان پیشینه تاریخی خلیج فارس را به دو دوره قبل و پس از اسلام تقسیم کرد .

پیش از اسلام :

1- عیلامیان

عیلامی ها مردمانی بودند که پیش از آغاز تاریخ در دشت های جنوب باختری ایران از شوش (پان شوشیسم) تا بوشهر سکونت داشته اند و عیلام بر بخشی از ایران اطلاق می شد که از باختر به رودخانه دجله ، از خاور به بخشی از پارس و از شمال به نزدیکی همدان از جنوب به خلیج فارس محدود می گردید و شوش بزرگترین شهر آن به شمار می آمد. 4

عیلامیان از هزاره 3 پ.م. صدها سال از خلیج فارس به عنوان راه ارتباطی و از بندر بوشهرو جزیره خارك برای حکم رانی بر کرانه ها و جزیرهای خلیج فارس و همچنین بازرگانی با هند باختری و دره نیل استفاده می کردند

2- هخامنش

در آغاز پیدایش حکومت هخامنشیان ، ایرانیان از دریانوردان فینیقی و یونانی استفاده می کردند هخامنشیان کمی پنداشتند نگاهبانی و پاسواری شاهنشاهی ایران بدون چیرگی بر دریا آسان نیسته نیروی دریایی مجهز و پرتوانی در خلیج فارس ایجاد کرده بودند . 5

هنگامی که هخامنشیان در نیمه قرن ششم پیش از میلاد به تحکیم امپراتوری خویش پرداختند در خلیج فارس برای اولین بار مفهوم « دولت » شبیه برداشت نوین آن تجربه شد . امپراتوری هخامنشی بخش عمده جهان متمدن آن روزگار از هند در خاور و تا مصر و لیبی در باختر را شامل می شد . 6

داریوش هخامنشی اسکندر مقدونی هر کدام با اعزام نماینده ای به خلیج فارس درباره آن به تحقیق پرداختند . داریوش بزرگ چون به توسعه دریانوردی علاقه داشت پس از گرفتن مصر در سال 517 ق م به کندی آبراهی میان دریای سرخ و دریای مدیترانه فرمان داد . او همزمان باگرفتن هندوستان اسکیلوس دریانورد آزموده یونانی ، که از خدمتگذارانش بود و همچنین شماری از دریانوردان ایرانی فرمان داد که از پیوستگاه رود سند تا خلیج فارس و دریای سرخ بگذرند و جاهای ناشناخته این دریاها را پیدا کنند و از سرزمین های کرانه دریایی ، آگاهی های تازه و درستی فراهم آورند . 7

3- ساسانیان

در روزگار ساسانیان خلیج فارس مرکز فعالیت بازرگانی بود و کشتی های ایرانی به ویژه در بندر های چین رفت و آمد می کردند اردشیر بابکان ، سردودمان ساسانی (224 – 241 م) چندین بندر بر کرانه دریای پارس بنا کردند . یکی از بندرها ، ابله نزدیک بصره بردهانه خلیج فارس بود . در سال 326 م شاپور دوم با چند کشتی به متجاوزان عرب قبیله های تمیم ، قیس و بکرین و ائل ها که از جزیره العرب به خوزستان یورش برده بودند ، تاخت و جمعی را کشت و شماری را اسیر کرد و دیگران را تا میانه بیابان های جزیره العرب پس راند . 8

پس از اسلام

اسلامی :

منطقه خلیج فارس از سال 13 تا 345 ه . ق. و تا روی کار آمدن دیلمی ها / آلویه و به زیر فرمان درآوردن خلفای عباسی ، با همان روش و سازمان دورانساسانی اداره می شد . دیلمیان نخستین دودمانی بودند که پس از گسترش آیین اسلام ، دگر بار بر سراسر جزیره ها و کرانه های خلیج فارس چیره شدند . آل بویه به اهمیت نیروی دریایی در خلیج فارس پی برده و به سازمان بندی آن پرداختند و در این راه گام های ارزنده ای برداشتند . به طوری که سازمان ناوگانی در کرانه های باختری و خاوری خلیج فارس به وجود آمد و به کمک همین نیرو و همراهی قرامطیان بود که در سال 339 ه . ق. عمان به دست دیلمیان افتاد . از سال 454 تا 483 ه . ق. منطقه خلیج فارس و سرزمین عمان در اختیار سلجوقیان کرمان بود توران شاه / عمادالدوله سلجوقی در صدد برآمد جزیره کیش را در خلیج فارس جایگزین بندر لیراف کند از این رو بر اهمیت کیش در این دوره افزوده شد . تیمور لنگ در سال 782 ه . ق. خراسان و در سال 785 ه . ق. سیستان را گرفت و در یورش های بعدی خود اصفهان ، فارس ، بوشهر ، بندرها و جزیره های خلیج فارس را به قلمرو خود افزود تیموریان تا سال 873 ه . ق. که در ایران حکومت داشتند ، حراج بندر ها و جزیره های خلیج فارس را وصول می کردند . 9

صفوی :

از اواخر دوران تیموری تا روی کار آمدن حکومت صفوی ، ایران گرفتار اختلاف های درونی و کشمکش های خاندان های مدعی تاج و تخت ، چون قره قویونلو ، آقا قویونلو و ... شد در سده 16 م پرتغالی ها در منطقه خلیج فارس دارای توان و چیرگی کامل بودند . نخست هرموز را به دلیل جایگاه مناسبی که داشت و در دهانه خلیج فارس

افتاد بود مرکز عملیات دریایی و بازرگانی قرار دادند و بازرگانی بصره ، مسقط ، بندر عباس و دیگر نقاط را به دست گرفتند .

در سال 996 ه.ق. / 1587 م شاه عباس صفوی به پادشاهی رسید و ایران یکبار دیگر یکپارچگی خود را بازیافت و کشور دارای سازمان و تشکیلات منظم در زمینه های گوناگون شد . در زمینه بازرگانی نیز با کشور های دیگر پیوند هایی برقرار ساخت و به کمک انگلیسی ها توانست دست پرتغالی ها و اسپانیاییها را از خلیج فارس کوتاه سازد . 10 با رانده شدن استعمارگران پرتغالی و اسپانیایی از خلیج فارس ، رخنه انگلیسی ها در این دریا زیاد شد از سویی هلندی ها در سال 1033 ه.ق. / 1624 م با دایر نمودن نمایندگان بازرگانی در هرمز و سپس با انتقال آن در سال 1035 ه.ق. / 1620 م به بندر عباس و با دادن رشوه سهمی از بازرگانی ایران را به دست گرفتند و از پرداخت عوارض و حقوق گمرکی کالاها به ویژه ابریشم خودداری کردند .

افشار و زند

نادر شاه افشار (1149 – 1161) ه.ق. در اوایل حکومت خود یعنی در سال 1149 ه تا تمامی کرانه ها و جزیره ها از جمله مجمع الجزایر بحرین را گشود و درصدد برآمد در خلیج فارس نیروی دریایی ایجاد کرد . از این رو چند فروند کشتی از انگلیسی ها و هلندی ها خرید و فرمان داد که از جنگل های مازندران برای ساختن کشتی چوب و تخته به کرانه خلیج فارس آورده و شماری کشتی بسازند . پس از کشته شدن نادر شاه در سال 1161 ه ق 1747 م شورش هایی سراسر ایران را فرا گرفت ولی کریم خان زند یکی از سرداران نادرشاه بر کشور چیره شد . با دزدان دریایی و عرب های جواسم /قواسم جلفا یا راس الخیمه کنونی جنگید و آنان را سرکوب کرد ولی به عمان و بصره لشکر کشید و این نواحی را نیز گشود . 11

بخش دوم

پیشینه تاریخی حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه

بررسی های تاریخی انجام شده بیانگر آن است که هزاره دوم قبل از میلاد این سه جزیره همانند سایر جزیره ، جزایر دریای پارس توسط ایرانیان اداره می شده به جز قلمرو حکومت های ایرانی بوده است . در دوران اسلامی نیز این جزایر همواره جزو قلمرو و ایالت های جنوبی ایران از جمله فارس بوده اند با ورود پرتغالی ها در دریای پارس این شد جزیره به اشغال آنها درآمد که در روزگار شاه عباس صفوی توسط نیروهای ایرانی آزاد گردید نادرشاه افشار و کریم خان زند به این جزایر اعمال حاکمیت نموده اند و در روزگار سلطنت فتح علی شاه قاجار نیز جزایر دریای

پارس مانند کیش ، بحرین ، ابوموسی ، هندورابی ، تنب بزرگ و تنب کوچک و فازور جزو ایالت های فارس محسوب می شود در سال 1263 هجری قمری نیز کرانه هاو جزایر خلیج فارس از جمله جزیره ابوموسی بخشی از ایالات بنادر خلیج فارس محسوب می شد . بررسی دقیق اسناد و کتب تاریخی بر مالکیت و حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر سه گانه تردید بر ااحتی نمی کرد .

نام و پیشینه تاریخی جزیره ابوموسی

بوموسی : این واژه کلمه از دو پاره بو و موسی تشکیل گردیده است که بو به معنی رایحه می باشد و مخفف بود ، باشد ، باشم و بوم هست .

موسی هم نام شخصی است و بوموسی یعنی سرزمین موسی ، بنابراین می توان گفت که پیش از اسلام شخص ایرانی الاصل معروف به نام موسی در این جزیره زندگی و حکومت می کرده و نام جزیره از نام او مأفوز و به سرزمین موسی (بوموسی) معروف شده است . 13

پیش از اسلام : بررسی های انجام شده تا کنون نشانگر آن است که از هزاره دوم ق . م جزیره بوموسی همانند سایر جزایر دریایی پارس توسط ایرانیان اداره می شده و جزو قلمرو شاهنشاهی ایرانیان بوده است. دریای پارس و جزایر آن از جمله بوموسی در روزگاران عیلامیان بویژه در زمان سلطنت شیلهک این شوشیناک (1151 – 1165 ق . م) تحت تسلط این سلسله بود.

دولت ماد در روزگار سلطنت هُوخَشتَره ، به اوج قدرت و عظمت رسید و حدود آن از جنوب به کرانه های جنوبی دریای پارس امتداد پیدا کرد. جزیره بوموسی با دیگر جزایر دریای پارس در این دوره ابتدا جزو یکی از ایالت های جنوب غربی و سپس جزو توپ (استان) چهاردهم دولت ماد به نام درنگیانه و بخشی از کرمان بود. در روزگار هخامنشیان جزایر دریای پارس ، از جمله جزیره بوموسی به موجب بند 6 ستون اول کتیبه بیستون ، جزو استان پارس بوده است.

در زمان اشکانیان بویژه در دوران سلطنت مهرداد اول (171 – 138 ق . م) بنادر و جزایر دریای پارس ، تحت حکومت این سلسله قرار گرفت.

در دوره ساسانیان جزایر و بنادر دریای پارس ، جزو قلمرو ایران و کوره (شهر) اردشیر خوره استان پارس ، جزو پادکسیان نیمروز بوده است.

حاکمیت ایران بر جزایر بوموسی ، تنب بزرگ و تنب کوچک همانند دیگر جزایر ایران ، ریشه در گذشته بسیار دور داشته است. در دوران امپراتوری عیلامی ، ماد ، هخامنشیان ، اشکانی و ساسانی ، خلیج فارس در حکم دریاچه ایرانی بوده ، همچنان که مدیترانه روزی در حکم دریاچه رومی بوده است. در این دوران ، نظم و امنیت ایرانی 14 بر این پهنه آبی حاکم بوده است و در پرتو آن ، صلح ، آرامش ، بازرگانی و ارتباطات شکوفا و پویا و سراسر کرانه های جنوبی خلیج فارس از کویت کنونی گرفته تا شبه جزیره هندم ، در قلمرو ایران بود. 15

پس از اسلام

در سال 23 ه ق در روزگار خلافت عمر بن خطاب جزیره بوموسی و سایر شهرها و ولایتهای کرانه شمالی خلیج فارس به تصرف اعراب در آمد. در دوره حکومت امویان و عباسیان ، کرانه ها و جزیره های خلیج فارس توسط فرستادگان آنان اداره می شد.

در اواسط سده 3 ه ق یعقوب لیث صفاری در سیستان نخستین دولت مستقل ایرانی را پایه گذاری کرد پس از درگذشت وی برادرش عمرو لیث جانشین شد و از سوی خلیفه بغداد به حکومت فارس ، بوشهر ، بنادر و جزایر کرانه های شمالی و جنوبی دریای پارس و ... منصوب گردید. 16

در سال 323 ه ق علی (عماد الدوله) دیلمی ، فارس ، بنادر و جزایر دریای پارس از جمله جزیره بوموسی را تصرف کرد. حکومت آل بویه در زمان عضدالدوله به اوج قدرت رسید. سلطنت آنان 120 سال ادامه داشت و 17 تن از این خاندان به حکومت رسیدند. در تمام این مدت فارس ، بنادر و جزایر سراسر کرانه های دریای پارس در قلمرو و فرمانروایی آل بویه قرار داشتند. پس از انقراض آل بویه ، سلجوقیان کرمان ، در آن منطقه حکومت یافتند. قاورد سلجوقی ، ابتدا کرمان ، هکران و فارس را تصرف کرد و سپس کرانه های شمالی و جنوبی و جزایر دریای پارس از جمله بحرین ، بوموسی ، یش و خوزستان را متصرف شد.

تیمور گورکان در یورشهای خود فارس و بنادر و جزایر دریای پارس از جمله بوموسی و غیره ... را ضمیمه متصرفات خویش کرد. تیموریان خراج جزیره کیش و سایر جزایر خلیج فارس را تا سال 873 ه ق که در ایران حکومت داشتند جزو ابواب جمعی فارس محسوب و وصول می کردند.

در زمان صفویه ، افشاریه و زندیه و قاجار

با ورود پرتغالی ها به دریای پارس ، جزایر خلیج فارس از جمله بوموسی به تصرف غاصبانه ملاحان پرتغالی درآمد. در روزگار سلطنت شاه عباس صفوی پس از يك دوره طولانی که جزایر در اشغال پرتغالی ها بوده به وسیله نیروهای ایرانی آزاد گردید.

در سال 1147 ه ق از سوی نادرشاه افشار ، لطیف خان دشتستانی به سمت حاکم ایالت دشتستان ، شولستان و کاپیتانی کل سواحل ، بنادر و جزایر خلیج فارس منصوب شد. لطیف خان ، جزیره کیش و سایر جزایر ، از جمله بوموسی را از دست یاعیان خارج کرد. و در سال 1149 ه ق به بحرین لشکر کشید و شیخ جابر هوله را شکست داد و کلید دژ بحرین را برای نادرشاه فرستاد.

کریم خان زند هم در سال 1179 ه ق بر سراسر فارس ، جزایر خلیج فارس از جمله جزیره بوموسی و ... حاکمیت نمود. 17

اما در روزگار قاجار فتحعلی شاه هم جزایر دریای پارس از جمله کیش ، بحرین ، بوموسی ، هند را بی تنب بزرگ و کوچک ، خاور و ... جزو ایالت فارس محسوب کرد و در سال 1263 ه ق کرانه ها و جزایر خلیج فارس از جمله جزیره ابوموسی بخشی از ایالت بنادر خلیج فارس شد. 18

بخش سوم

موقعیت و اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیکی خلیج فارس و ایران

ژئواستراتژی دانش جدیدی است که بعد از جنگ جهانی دوم نظامیان آن رامطرح کردند در تعریف آن گفته اند « ژئواستراتژی علم کشف روابط بین عوامل جغرافیایی و استراتژی به ویژه استراتژی نظامی است » در ژئواستراتژی عوامل جغرافیایی طبیعی و انسانی و رابطه آنها با استراتژی مطالعه می شود به عبارت دیگر ژئواستراتژی علم مطالعه زیربناهای جغرافیایی شکل گیری و اجرای استراتژی است . زیرا به نظر بعضی از استراتژ ها ، استراتژی

قلمرو و انضاب نسبت زیر عوامل جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی نقش مؤثری در گزینش و اجرای استراتژی دارند. بعضی ژئواستراتژی را تعادل ژئوپولیتیک دانسته اند که به بررسی روابط بین عوامل جغرافیایی قدرت و استراتژی می پردازند. 19

جایگاه استراتژیک خلیج فارس جنبه های گوناگونی دارد بی گمان حساسیت این منطقه برای غرب و شرق به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب کوشش برای حضور مستقیم کشورهای بزرگ شده است که برخورد کین آمیز را شذنی می سازد، این پدیده سیاسی ناشی از سقوط ژاندارم منطقه و نبودن کشورهای جانشین بود. 20

ایران بر تعدادی جزایر برخوردار از موقعیت ممتاز استراتژیک در تنگه هرمز و دهانه خلیج فارس حاکمیت دارد. از آن میان شش جزیره که زنجیره قومی دفاعی ایران تشکیل می دهند اهمیت بیشتری دارند این جزایر عبارتند از هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی که در فاصله نسبتاً کوتاهی از یکدیگر قرار دارند یک منهنی فرضی که این جزایر را به یکدیگر وصل نماید به درک برتری استراتژیکی ایران را در کنترل امنیت تنگه کمک بیشتری می کند. 21

اما باید گفت استراتژیکی نتیجه پدیده مجرد نیست بلکه از یک واقعیت جغرافیایی، اقتصادی و حقوقی – اجتماعی منتج می شود. استراتژی به تعبیر بوفر 22 در این عبارت خلاصه می شود «تضاد تمایلات اعمال زور برای حل خصومت و اختلافات»

این میل گرایش جدا از قدرت نیست و در آن، مجموعه فاکتورها برای گسترش استراتژی شرط اساسی است. بنابراین محلی که در آن یک استراتژی و جهت گیری کلی آن سبط می یابد حائز اهمیت است. 23

«ژان گوتمن» پژوهشگر و پدر جغرافیای سیاسی نوین می گوید: اگر سطح کره زمین مانند توپ پینگ پنگ صاف و بدون پستی و بلندی های گوناگون بود. مباحثی چون جغرافیای سیاسی و رابط بین الملل و اهمیت ژئوپولیتیک و استراتژیک مناطق نیز وجود نداشت. منطقه خلیج فارس یکی از مناطق استراتژیک مهم دنیا محسوب می شود. البته موقعیت و اهمیت ژئوپولیتیک و استراتژیک مسئله ای جدید نیست بلکه از قرن ها قبل امری شناخته شده و مورد قبول عام بوده است. چنانکه امپراتوری هخامنش ایران با استفاده از اهمیت آبراه بر بخش عمده ای از جهان آن زمان حکمفرمایی و دریاسالاری می کرد. در قرنهای اخیر نیز خلیج فارس شاهد حضور و تسلط دولت استعماری انگلیس در آنجا و ضمناً تداوم سیاست های دیرینه و استعماری روسهای تزاری – بویژه به استناد وصیتنامه پطر کبر برای دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس بوده است که همگی حاکی از اهمیت ویژه استراتژیک آن است.

یکی از دلایل اهمیت استراتژیک خلیج فارس وجود تنگه هرمز است. تنگه هرمز گذرگاهی است هلالی شکل که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می کند. نقطه شروع این تنگه شامل خطی فرضی ما بین جزیره هنگام در سمت ایران و رأس شیخ مسعود در غرب رأس مسندام است. نقطه پایانی آن (در دریای عمان) به خطی فرضی ما بین دماغه کوه در ساحل و «رأس الدبه» در ساحل عمان به عرض 96 کیلومتر (52/5 مایل دریایی) 24 منتهی می شود

تنگه هرمز یکی از 11 تنگه مهم دنیاست که برای ابرقدرتها و قدرتهای بزرگ اهمیت اقتصادی و استراتژیک بسیار دارد. این تنگه همچون تنگه های فلوریدا، دور، موزامبیک، جبل الطارق، باب السندب، بسفر و داردانل از گذرگاههای آبی مهم جهان به شمار می رود علاوه براین، ایران بر

تعدادی از جزایر استراتژیک در تنگه هرمز مالکیت و حاکمیت دارد. در آن میان شش جزیره که «قوس دفاعی» ایران را تشکیل می دهند از اهمیت استراتژیک بیشتر برخوردارند. این جزایر به ترتیب عبارتند از: هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی که در فاصله نسبتاً کوتاهی از یکدیگر قرار گرفته اند. 25

اما باید گفت خلیج فارس به دلایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و ارتباطی برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت بوده و از جایگاه ژئوپولیتیک ویژه ای برخوردار است و به همین جهت جنبه های دیگر را نیز زیر تأثیر قرار داده است.

از سال 1357 ه.ش. به بعد با انقلاب اسلامی در ایران مرکز کانون قدرت ژئوپولیتیک جهان دگرگونی هایی را در این مسائل به وجود آورد، زیرا تمامی مسائل مربوط به این مرکز جغرافیای تغیر کرده بود به طور نمونه جمهوری های مسلمان نشین، شوروی پیشین زیر تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته بودند و آثار ژئوپولیتیک ایران در منطقه آشکار می شد. 26

منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس

در میان مناطقی که در میان محدوده های به اصطلاح خاورمیانه قابل شناسایی هستند خلیج فارس مدل منحصر به فردی از یک منطقه ژئوپولیتیک است. در حالی که به لحاظ منطقی می توان نیمه جنوبی خلیج فارس را یک زیر منطقه 27 از جهان عرب که از آن بزرگتر است نامید. منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس فی نفسه یک محیط متجانس است. این

منطقه شامل ملت هایی است که از لحاظ برخی جنبه های فرهنگی از یکدیگر متفاوتند ولی در عین حال دل مشغولی های سیاسی ، استراتژیک و اقتصادی مشابهی دارند . این منطقه در برگیرنده ایران ، عراق ، عربستان سعودی ، عمان ، کویت ، امارات متحده عربی ، قطر و بحرین است .

موقعیت جغرافیایی ، خلیج فارس را در قلب دنیای قدیم قرار داده بود زیرا راههای بزرگ دنیای قدیم از این منطقه می گذشتند و این عامل از دوران های اولیه باعث اهمیت یافتن منطقه شده است . عامل دیگری که به این مورد افزوده شد و ویژگی این منطقه را به عنوان يك منطقه ژئوپولیتیک جداگانه تقویت کرد اهمیت استراتژیک آن برای قدرت های رقیب خارجی از پایان قرن

پانزدهم میلادی بوده است ، پرتغالی ها ، هلندی ها ، فرانسوی ها ، بریتانیایی ها و روسها هر کدام به این نکته پی بردند که تسلط آنها بر این منطقه برا ی سیاست های استعماریشان در شرق ضروری است . با شکست فرانسه در جنگ های ناپلئونی ، بریتانیا ، روسیه ، عثمانی ، ایران و وهابی ها به رقبای اصلی در منطقه تبدیل شدند . محیط سیاسی ایجاد شده به وسیله هر يك از این قدرتها به کنار حیات اقتصادی که با صید و تجارت مروارید در حال شکوفایی بود و در نیمه اول قرن بیستم جای خود را به اقتصاد نفت داد همگی به اجزا و عناصر يك محیط متمایزی تبدیل شدند که می توان با اطمینان آن را منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس نامید . 28

ایران به دلیل دارا بودن موقعیت جغرافیایی ، وسعت سرزمینی ، تعداد نفوس وحدت ملی و مذهبی شرایط لازمه تحصیل قدرت دریایی را دارد . منظور از قدرت دریایی در دریای پارس نه تنها داشتن چندین رزمنا و یا کشتی تجارتي است ، بلکه سازمان دهی کلیه شرایط موجودی برای ساخت يك قدرت دریایی است . چنان که در کوتاه ترین زمان ممکن دولت ایران توانست با بسیج مردم ، نیرویی متشکل کند که در برابر ناوگان عظیم دریایی و تجهیزات پیشرفته آنان عرض اندام کند . از طرفی يك قدرت نمی تواند بدون برنامه درست اقتصادی دارای يك قدرت دریایی باشد و آن به دست نمی آید مگر ارتباط دریایی و تبدیل دریای پارس به يك منطقه اقتصادی . 29

ز نظر تاریخی گواهی که نشان دهنده سکونت عمده عربها در کرانه های جنوبی خلیج فارس در دوران پیش از میلاد باشد در دست نیست تمامی این منطقه ، جناح جنوبی امپراتوری پارس شمرده می شود . ساکنین ایرانی الاصل هنوز در بخشهایی از کرانه های جنوبی به ویژه در شمال مسندم و در مناطق بحرین و حا وجود دارد . مهاجرت عربها به

این کرانه ها اندکی پیش از ظهور اسلام آغاز شد . از هنگامی که کیش جدید (اسلام) بر ادیان دیگر در منطقه استیلا یافت جریان پیدایش يك جامعه ویژه خلیج فارس در کرانه های شمالی و جنوبی آغاز شد .

عامل دیگری که از اواخر قرن پانزدهم میلادی به تحکیم ویژگی هماهنگ و متمایز سیاسی این منطقه کمک کرد افزایش اهمیت استراتژیک آن میان قدرتهای اروپایی رقیب بود . پرتغالی ها ، هلندی ها و فرانسوی ها و روسها هر يك نفوذ و سلطه بر این منطقه را در راستای سیاست های استعماری خود در خاور زمین ضروری تشخیص دادند .

30

بخش چهارم

مسئله جزایر سه گانه :

منظور از جزایر سه گانه جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی است که مشرف به تنگه استراتژیک هرمز قرار دارند. مسئله مالکیت و حاکمیت ایران بر این جزایر ، شبیه مسئله بحرین با دخالت و اقدامات استعماری انگلستان از قرن نوزدهم به بعد به عنوان يك مسئله ارضی مهم ، دولت ایران را گرفتار خود کرد. منشأ این مشکل ایران نیز همانند بسیاری مشکلات دیگر دولت انگلستان و منافع استعماری گسترده و سیری ناپذیر آن بود. به گواه اسناد و شواهد تاریخی موجود این سه جزیره از قرنهای قبل تا پیش از تحریکات و مداخله های مستقیم انگلیس در مالکیت و حاکمیت دولیت ایران قرار داشت. چنانکه تا قبل از سال 1887 دولت ایران بدون وجود معترضی بر جزیره ابوموسی اعمال حاکمیت می کرد و جزیره مذکور جزو قلمرو حکومتی والی بندر لنگه محسوب می شد. 31

انگلستان در سال 1891 جزایر سه گانه را اشغال کرد ، سپس پیرو يك سلسله تحریکات و مداخله ها بالاخره انگلیسیها در سال 1904 شیخ شارجه را ترغیب کردند که پرچم خود را در این جزیره برافرازد و از آن تاریخ تا حدود هشتاد سال مانع حاکمیت ایران بر این جزایر شدند. 32

جزیره تنب 33 (یا ثمب) بزرگ حدود 31 کیلومتری جنوب غربی جزیره قشم و در بخش شمالی خش منصف 34 خلیج فارس قرار دارد. این جزیره در 45 کیلومتری ساحل ایران قرار داشت و در حال حاضر بلندترین نقطه آن از سطح دریا به 150 متر می رسد و فاقد آب شیرین می باشد. 35 فاصله تنب بزرگ از تنگه هرمز حدود 140 کیلومتر است ؛ بنابراین چون فاصله تنب بزرگ از تنگه هرمز نسبتاً زیاد است لذا ارزش استراتژیکی آن بتنهایی زیاد نیست ولی از نظر اهمیت و موقعیت استراتژیک منطقه ای در زنجیره دفاعی ایران حلقه مهمی محسوب می شود. جمعیت این جزیره حدود 400 نفر بومی آن ترکیبی است از ایرانیان اهل بندر لنگه و عربهایی که اصالتاً از قبیله بنی

ناس دویی هستند. شکل جزیره دایره ای است که قطر آن حدود 4200 متر (4/2 کیلومتر) و مساحتش حدود 11 کیلومتر مربع است. 36

این جزیره تقریباً دایره شکل است و حدود دو نیم مایل قطر دارد. سطح جزیره شنزاری خشک است با تپه هایی که بلندترین نقطه آن در بخش شمال باختری است و 53 متر ارتفاع دارد. تنب بزرگ در بخش جنوبی هموار است و مناسب ترین لنگرگاه جزیره را در این بخش از کرانه جنوبی باید جستجو کرد. علفها و بوته های صحرایی در این بخش از جزیره به مصرف چرای دامهای محلی می رسد. دو چاه آب در بخش جنوبی تنب بزرگ وجود داشت که سالهاست خشکیده اند. آب آشامیدن این جزیره از جزیره قشم تأمین می شود. 37

مرتفع ترین نقطه جزیره تنب 53 متر از سطح دریا ارتفاع دارد و در قسمتهای جنوب غربی این جزیره در نزدیکی سواحل آن ، خانه های مسکونی از راه چندین خیابان و جاده به هم پیوسته اند. این جزیره دارای موج شکن و لنگرگاه است. مردم بومی این جزیره از صید ماهی و مروارید امرار معاش می کنند. در این جزیره معدن خاک سرخ نیز وجود دارد. 38

تنب کوچک در فاصله 13 کیلومتری غرب تنب بزرگ (بطرف درون خلیج فارس) قرار دارد. فاصله آن از بندر لنگه 45 کیلومتر و تا کرانه های رأس التیمه (جزیره حمرا) 80 کیلومتر و تا تنگه هرمز حدود 150 کیلومتر است. این جزیره به زبان محلی « بنی تنب » با « تنبو » خوانده می شود که به گویش تنگستانی به معنی تپه کوچک است . این جزیره تقریباً مثلثی شکل است که فاصله بین اضلاع مقابل آن از حدود 1/85 کیلومتر بیشتر نیست و پهنای آن در وسیع ترین نقطه در بخش جنوبی کمتر از يك کیلومتر و مساحت آن حدود 2 کیلومتر مربع است. 39 در این جزیره هزاران پرستوی دریایی زیست می کنند و دارای تپه هایی سیاه رنگ و در دهانه تنگه هرمز قرار دارد. دو جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک تابع بندر لنگه بوده که بعداً توسط شیخ نشین رأس الخیمه تصرف شده سپس در اختیار ایران قرار گرفت. همچنین این جزیره فاقد آب آشامیدنی و خالی از سکنه است. از دیدگاه استراتژیک این جزیره فقط به عنوان يك نقطه ارتباطی و پشتوانه ای برای تنب بزرگ است اهمیت دارد. این جزیره نیز در شمال خط منصف خلیج فارس قرار دارد. 40

جیمز موریه ، نویسنده معروف انگلیسی در اوایل سده نوزدهم در سفر به خلیج فارس از جزایر تنب بزرگ و کوچک اینگونه می گوید :

روز 20 فوریه ما به نزدیکی دو جزیره رسیدیم به نامهای تنب بزرگ و کوچک که نامی ایرانی دارند و مربوط به

بخش ایرانی هستند. این جزیره ها پاره خاکهایی لم یزرع می باشند. 41

جزیره ابوموسی غربی ترین جزیره در خط طولی است که آخرین حلقه زنجیر فرضی دفاع ایران را در دهانه خلیج فارس تشکیل می دهد. این جزیره در 67 کیلومتری بندر لنگه و 57 کیلومتری شرق جزیره سیری و حدود 64 کیلومتری سحرانه شارجه و در جنوب جزیره تنب کوچک قرار دارد.

جزیره ابوموسی تقریباً مرکزی ترین جزیره خلیج فارس محسوب می شود و سالیانه 100000 بشکه نفت از آن استخراج می شود. 42

شکل آن تقریباً لوزی و ابعاد آن حدود 4 در 5 کیلومتر با مساحت 12 کیلومتر مربع است. این جزیره دارای آب شیرین بوده و حدود 600 نفر جمعیت بومی ساکن دارد که ترکیبی از ایرانیان اهل بندر لنگه و عربهایی از قبیله سودان در شارجه هستند.

پستی و بلندیهای جزیره بوموسی به سوی شمال افزایش یافته تا سرانجام در بخش شمالی به بلندترین نقطه جزیره یعنی کوه حلوا می رسد. این بلندی مخروطی شکل و تیره رنگ حدود 110 متر ارتفاع دارد. 43 نیمه جنوبی جزیره تقریباً مسطح است.

آب آشامیدنی جزیره تقریباً از چند حلقه چاه تأمین می شود. نخلستان از چشم اندازهای آشنا در ابوموسی بشمار می آید.

ابوموسی بویژه بخاطر ذخایر خاك سرخ آن شناخته شده است. اولین امتیاز بهره برداری در اواخر قرن نوزدهم از سوی شیخ قاسمی لنگه در برابر حق امتیاز سالانه 250 لیتر به یکی از بومیان بندر لنگه داده شد. نفت ابوموسی از بهترین کیفیت در خلیج فارس برخوردار است توسط سه حلقه چاه در حوزه نفتی مبارك از سوی شرکت نفت و گاز بیوتس 44 تهیه می گردد. شارجه امتیاز آن را اعطا کرده بود و ایران در دسامبر 1971 آن را تأیید نمود و قرار شد که درآمد بهره برداری میان ایران و شارجه بطور مساوی تقسیم گردد. 45

هم اکنون حدود 2000 نفر در طرف ایرانی این جزیره تحت حاکمیت ایران مشغول بکارند. و اکثر آنها بوسیله فرمانداری بندر عباس استخدام شده اند. پرسنل نظامی مستقر در این جزیره را نیز باید به تعداد مذکور افزود. تماس میان مردم ایرانی و شارجه ای این جزیره کم است ولی در مواقع اضطراری مانند از کار افتادن کارخانه های تصفیه آب به یکدیگر کمک می کنند. قایق کوچکی بنام خاطر هفته ای دو بار برای جابجایی کالا و مسافرین قسمت غربی جزیره و شارجه تردد می کند. 46

بخش پنجم

بررسی وضعیت جزایر از دیدگاه حقوقی :

اگرچه از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی دولت استعماری بریتانیا تعدادی از جزایر ایرانی شامل قشم هنگام لارک ابوموسی ، سیری ، تنب بزرگ و کوچک را مستقیماً به نام حاکمیت ادعایی و واهی قبایل و امارات عربی تحت الحمایه خود اشغال کرد. اما 23 نقشه رسمی و نیمه رسمی از دولت بریتانیا و از جمله يك نقشه رسمی وزارت جنگ بریتانیا مورخ 1886 به ابعاد 16 متر مربع که در سال 1888 توسط وزیر مختار انگلیس به ناصرالدین شاه تقدیم شده مالکیت و حاکمیت ایران را بر این جزایر رسماً تأیید کرده است.

اما در مورد جزایر این نکته قابل توجه است ، در مواردی که فاصله بین جزایر و سرزمین اصلی از دو برابر عرض دریای سرزمینی تجاوز کند ، دریای سرزمینی هر جزیره بر مبنای خط پست ترین جزر این جزیره تعیین خواهد شد. در غیر اینصورت ، در مواردی که آبهای واقع بین جزیره و سرزمین اصلی پوشیده از آبهای سرزمینی جزیره و سرزمین اصلی باشد دولت ساحلی مجاز خواهد بود که با ترسیم خطوط مبدأ مستقیم آبهای جزیره را به سرزمین اصلی متصل نماید. به عبارت دیگر چنانچه جزیره دور از ساحل (دورتر از دو برابر عرض دریایی سرزمین) قرار گرفته باشد در اطراف خود دارای مناطق مختلف دریایی (دریای سرزمینی و منطقه نظارت و ...) خواهد بود اما اگر نزدیک ساحل باشد (کمتر از دو برابر عرض دریای سرزمینی) باید آبهای جزیره را توسط يك خط مستقیم به سرزمین اصلی متصل کرد. 47

به گفته (روح الله پورطالب) کارشناس علوم سیاسی این یکی از دلایل خوب برای اثبات حقوقی مسئله جزایر سه گانه است. در بیشتر کشورهای دنیا عرض دریای سرزمینی تا 200 مایل می رسد در حال حاضر با پیشرفت سلاح های جنگی ایران که در موضوع به سال 1361 که عرض دریای سرزمینی 12 مایل اعلام کرده بود باید این عرض دریای سرزمینی خود را به 200 مایل افزایش دهد تا دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس ادعایی بر این جزایر نداشته باشند.

پس از اعلام خروج انگلستان از خلیج فارس در 1968 قرار شد بین امیر نشین های کوچک ، اتحادیه ای ایجاد شود. تأسیس اتحادیه مزبور بدون موافقت ایران امکان پذیر نبود. همچنین ایران از ادعای حاکمیت خود بر بحرین دست برداشت در مقابل جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و دهانه تنگه هرمز مجدداً به تصرف ایران درآمد. تصرف ابوموسی به موجب موافقت نامه با شیخ شارجه عملی گردید در این امر بطور کلی ترتیباتی بین دولت انگلستان –

ایران و حاکم شارجه و رأس الخیمه (در مورد تنب ها) و فقط پس از اینگونه توافقها بود که تشکیل فدراسیون امارات متحده عربی امکان پذیر شد. بعلاوه ایران در آن زمان تعهد کرد که حفظ امنیت خلیج فارس را پس از خروج انگلستان در سال 1971 به عهده بگیرد. 48

اما با گذری به چندین سال قبل می بینیم که در سال 1894 وزارت امور خارجه ایران در واکنش به تجدید ادعاهای بریتانیا نسبت به جزایر ابوموسی و سیری شرح مفصل و مستندی در باره حاکمیت ایران بر این جزایر فهرست حاکمان ایرانی آنها شیوه اداره و جمع آوری مالیات آنها در نامه ای مستند جمع آوری کرد که این نامه پیگیری این ادعا را از سوی بریتانیا تا پایان سده نوزدهم متوقف کرد. در سال های آغازین سده بیستم و هم زمان با تلاش های دولت روسیه برای نفوذ و راه یابی به خلیج فارس وزارت خارجه بریتانیا تصمیم گرفت که جزایر استراتژیک دهانه هرمز را به تصرف خود درآورد و این تصمیم در 14 ژوئیه 1902 به کارگزاری بریتانیا در هندوستان و خلیج فارس ابلاغ شد. در حالی که جزایر قشم ، هنگام ، لارک در اشغال بریتانیا بودند عوامل استعمار جزایر ابوموسی تنب بزرگ و سیری را در سال 1903 به نام شیخ شارجه اشغال کردند. و پرچم شیخ را در سال 1908 در تنب کوچک افراشتند. مدیر گمرکات جنوب کشور پرچم شیخ شارجه را در جزیره ابوموسی و سیری دید دستور پایین آوردن و افراشتن پرچم ایران را داد و دو تفنگچی را مأمور حفاظت از آن کرد. 49

ایرانیان در ازای سالها ، همواره به این اشغالگری ها به گونه ای نوشتاری رسمی و نیز حضور نظامیان و کارکنان دولت و برافراشتن پرچم ایران در جزیره ها و همچنین به روش حقوقی به ویژه از دیدگاه حقوق بین الملل واکنش نشان داده اند. تا اینکه بریتانیا در شانزدهم ژانویه 1968 میلادی تصمیم گرفت خلیج فارس را ترک کند. مهمرین دلیل برای بازستاندن جزیره های تنب و ابوموسی حقوق تاریخی ایران بر پایه حقوق بین الملل نسبت به آنها بود زیرا جزایر تا آخر سده نوزدهم میلادی در حاکمیت ایران بود. در اسناد و مدارک دولت بریتانیا شامل گزارشات و نشریه های رسمی نقشه های رسمی و نیمه رسمی که از سوی وزارتخانه های جنگ و خارج و همچنین نیروی دریایی دولت انگلیس هند و شرکت هند خاوری تا سال 1902 میلادی تهیه شده تعلق جزایر تنب و ابوموسی به ایران مورد تأیید قرار گرفته است.

پس از 68 سال تلاش دولت ایران برای بازگرداندن جزیره ها سرانجام در سال 1971 م انگلستان پذیرفت که چارچوب توافق های قانونی و بستن پیمان ویژه این جزیره ها به ایران بازگردانده شوند. در آن زمان دولتی بنام امارات متحده عربی وجود نداشت و انگلستان سرپرست یا قیم امیر نشین های شارجه و رأس الخیمه بود و بازگشت جزیره ها به ایران قانونی و بر پایه حقوق بین الملل بوده است به همین رو امارات متحده عربی به گونه ای قانونی

نمی‌تواند ادعای سرزمینی را داشته باشد که پیش از موجودیت یافتن دولت امارات متحده به شیوه قانونی به ایران بازگردانده شده است. سعنی کار جزیره‌های مورد ادعا پیش از تشکیل امارات به گونه‌ای قانونی روشن شده است. بر پایه سازش بدست آمده ایران می‌توانست در اجرای یادداشت تفاهم 25 نوامبر 1971 م / 4 آذر 1350 حاکمیت خود بر جزایر سه گانه را از سر بگیرد. دو روز پیش از پایان زمان پیمان تحت الحمایی بر بریتانیا به شارجه و رأس الخیمه در 30 نوامبر 1971 / 9 آذر 1350 جزیره‌های بوموسی و تنب بزرگ و کوچک پس از 68 سال از اشغال بیرون آمد به همین بازگردانده شوند. 50

اما این نکته قابل توجه که تمام اسنادی که از سال 1507 تا 1560 م در تمامی موافقت‌نامه‌هایی که پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها، هلندی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، بلژیکی‌ها، آلمانی‌ها و ... با ایران و کشورهای دیگر در خلیج فارس بسته شده همه‌جا از نام درست و اصیل خلیج فارس استفاده شده است. نخستین موافقت‌نامه چند جانبه و مهمی که بین انگلیسی‌ها و شیخ‌ها و عرب‌ها کرانه‌های جنوبی خلیج فارس بسته شده و ضمن آن عرب‌ها بطور رسمی تعهداتی بر عهده گرفتند، موافقت‌نامه 8 ژانویه 1820 م / 1199 هـ ش است.

این موافقت‌نامه که به امضای ژنرال کایر انگلیسی و 11 نفر از رؤسای عرب کرانه‌های جنوبی خلیج فارس رسیده است با عنوان قرارداد کلی با قیابل عرب در خلیج فارس تنظیم گردیده و در متن موافقت‌نامه هرگاه اشاره‌ای به دریای جنوب ایران شده است آن را خلیج فارس نامیده اند. 51

از این زمان به بعد نیز در تمامی موافقت‌نامه‌هایی که عرب‌ها هم شرکت داشته‌اند حتی در متن عربی الخلیج الفارسی و در متن انگلیسی Persian Gulf نوشته‌اند. 52

در ابتدای این مسئله که اتفاق افتاد و حاکمیت این جزایر به ایران برگردانده شد مطبوعات ایران، استدلال‌های محکمی در خصوص حاکمیت مسلم و بلامنازع ایران نسبت به جزایر ارائه می‌دادند، برای مثال کیهان بین الملل در شماره 30 مه 1970 استدلال حقوقی در مورد حاکمیت ایران را مطرح نمود و می‌افزاید

« این جزایر از دورانه‌های پیش به ایران تعلق داشته و همیشه جزو لاینفک این کشور بوده‌اند. حدود 80 سال قبل دولت بریتانیا با در نظر گرفتن ملاحظات امپریالیستی با جلوگیری از اعمال حقوق مسلم حاکمیت ایران بر جزایر آنها را به طور غیر قانونی و موقت از سرزمین ایران جدا کرد. 53

این استدلال‌ها تکرار نکاتی بود که شاه قبلاً خود در سال 1970 به آنها اشاره کرده بود و پس از آن نیز وی این اقباجات را تکرار نمود برای مثال او در مصاحبه‌ای در اوایل فوریه 1971 طی سفر به سویس اظهار داشت .

« این جزایر به ملت تعلق دارند و ما نفت های وزارت دریا دارای بریتانیا و اسناد دیگری در اختیار داریم که این مطلب را تصدیق می کند. در صورت لزوم برای بازگرداندن جزایر ما به زور متوسل می شویم چون من نمی خواهم شاهد به حراج رفتن کشورم باشم. » 54

اما علاوه بر شاه که در آن زمان نطقهایی ارائه کرده بود امیر عباس هویدا و اردشیر زاهدی هم در نطقهای جداگانه ای صحبت های خود را مبنی بر وضعیت جزایر سه گانه ارائه داده بودند.

در 27 ژوئن 1971 امیر عباس هویدا نخست وزیر وقت به مردم بندر عباس ، بندر استراتژیک خلیج فارس گفت : ایران به هیچ وجه نمی تواند نسبت به آینده خلیج فارس بی تفاوت باشد زیرا در بر گیرنده راههای حیاتی کشور است. ایران برای امنیت و موقعیت خود به این جزایر نیازمند است و برای نیل به این اهداف اگر نتواند مسئله را از طریق مسالمت آمیز حل و فصل کند با تمام توان خواهد جنگید.

وزیر خارجه اردشیر زاهدی ؛ قبلاً با تأکید بر حقوق مالکیت ایران نسبت به جزایر با جلب توجه به فعالیت های عناصر کمونیست در جنوب خلیج فارس نگرانی های مشابهی را ابراز نمود : به کمونیست های چینی ، در عدن نگاه کنید. اگر این جزایر از دست بروند کلیه منافع ما (منطقه ای و غربی) لطمه خواهد خورد. بنابراین ایران بنا به دلایل زیر مصمم به تصرف جزایر (در صورت لزوم) می باشد.

1- آزادی کشتیرانی در این آبراه در همه زمانها برای ایران ضروری است و ایران برخلاف عربستان سعودی و عراق به خلیج فارس به عنوان تنها شاه راه خروجی جهت صدور نفت خود وابسته است.

2- ایران نیازمند استخراج نفت از منابع دریایی خود و محافظت از تأسیسات گسترده نفتی اش در خارك و نقاط

دیگر همچون محموله های نفتی خود در طول این آبراه می باشد. 55

اما در پایان این بخش باید چنین تصریح کنم جزایر ابوموسی ، تنب بزرگ و کوچک به همراه فارو ، قشم ، هنگام ، لارک مجموعه ای از جزایر تحت حاکمیت ایران را در خلیج فارس تشکیل می دهند.

این جزایر از 1780 (1160 ه ق) در اداره شیوخ لنگه بوده که این شیوخ منصوب و خراجگذار دولت ایران بوده اند. از 1267 تا 1281 (1903 – 1888) نیز والی بوشهر خود اداره امور سه جزیره را در دست داشت. بر همین اساس بود که مقامات بریتانیا در تمام نقشه های رسمی هر سه جزیره را به رنگ پرچم ملی ایران نشان دادند. بخصوص در نقشه ای که شعبه اطلاعات وزارت جنگ بریتانیا در 1887 (1266) تهیه کرده و در 1888 وزیر مختار بریتانیا در تهران آن را به دست حاکم ایران رسانده بود این امر کاملاً مشخص است. جنبه کاملاً رسمی این نقشه و اوضاع و احوالی که به تجدید چاپ آن انجامید برهان قاطعی است بر بطلان نظریه بریتانیا و ثابت می کند که

این جزایر در آن زمان ، سرزمینی بدون صاحب و قابل تملک نبوده است. وانگهی بکت مشاور حقوقی وزارت خارجه انگلستان در گزارشی به سال 1935 (1313) این نکته را تسریح کرده که این جزایر طی 1267 – 1260 در حاکمیت مطلق ایران بوده است.

چنانچه دولتی که سرزمین را در تملک داشته به مقابله با اعمال مغایر با حاکمیت خود برخیزد ، تحت عنوان مرور زمان مملک تغییری در حاکمیت حاصل نخواهد شد. در اینجا شایسته است به بعضی از اقدامات مقامات ایرانی اشاره کنم ف از جمله در نقشه های رسمی ایوان ، جزایر جزوی از تقسیمات کشوری قرار گرفته و برای ساکنان جزایر شناسنامه صادر شده است. همچنین هنگام انتخابات ، اوراق انتخاباتی و برگه صندوق اخذ رأی به آنجا فرستاده می شود. این اقدامات همه دلالت بر قصد ایران در صرف نظر نکردن از ادعاهای خود دارد. 56

بخش ششم

دلایل حقوقی و تاریخی بر اثبات مالکیت ایران بر جزایر سه گانه

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس – عربستان ، کویت ، امارات عربی متحده ، بحرین ، قطر و عمان که سابقه تشکیل هیچ يك از آنها به 100 سال نمی رسد بخوبی از حاکمیت قطعی ایران بر جزایر سه گانه و اسناد این حاکمیت بلامنازع باخبرند و حتی در دورترین افقهای ذهن خویش هم نمی توانند تصور روزی را داشته باشند که این حاکمیت کمترین خدشه ای پیدا کند. بنابراین انگیزه آنها از تکرار این ادعای واهی و بی اساس هرچه باشد احتمال خروج این سه جزیره از حاکمیت ایران نیست. پس ماجرا چیست .

برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید اساندى که حاکمیت قطعی ایران بر جزایر سه گانه را نشان می دهد اشاره کرد.

(1) علاوه بر نقشه های متعددی که از دوران یونان باستان قبل از میلاد مسیح بر جای مانده و در آنها از تمامی جزایر خلیج فارس به عنوان بخشی از سرزمین ایران یاد شده است ، در سده های اخیر نیز تمامی نقشه های رسمی که از سوی کشورهای نظیر انگلستان ، فرانسه ، روسیه ، پرتغال ، اسپانیا و ... تهیه شده وجه عنوان اسناد رسمی نگهداری می شوند. جزایر خلیج فارس از جمله سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی را بخشی از خاک ایران دانسته اند. از جمله دولت انگلیس که بیش از دو سده در منطقه حضور داشته و در مواردی نیز با دولتهای وقت ایران درگیر بوده است ، در مجمع 23 نقشه رسمی از منطقه تهیه کرده که در تمامی آنها بدون استثناء جزایر سه گانه متعلق به ایران است.

- (2) در سال 1830 کاپیتان جی . بی . بروکس 57 از سوی کمپانی هند شرقی وابسته به دولت استعماری انگلیس نقشه ای رنگی از خلیج فارس تهیه می کند. در این نقشه رنگی که نسخه هایی از آن در وزارت خارجه انگلیس و مخزن اسناد سازمان ملل متحد نگهداری می شود ، سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی به رنگ خاک ایران ترسیم شده است. کاپیتان بروکس نزدیک به 12 سال برای تهیه این نقشه در منطقه خلیج فارس بود.
- در سال 1835 ساموئل هنل از سوی دولت انگلیس مأمور تأیید حدود کشورها در خلیج فارس می شود. هنل در نقشه خود یک خط فرضی در آبهای خلیج فارس ترسیم می کند که
- (3) جزایر سه گانه در قسمت فوقانی ، شمالی ، این خط فرضی قرار داشته و متعلق به ایران دانسته شده است.
- (4) در ژانویه سال بعد 1836 سرگرد مورین جانشین ساموئل هنل مأموریت او را پی می گیرد و پس از مذاکره با شیوخ خلیج فارس نقشه ای که به تأیید آنها رسیده بود را تهیه می کنند. در این نقشه جزایر سه گانه در عمق بیشتری از قلمرو ایران قرار گرفته است.
- (5) در سال 1881 نیروی دریایی انگلیس بار دیگر نقشه ای از منطقه خلیج فارس تهیه می کند که در آن جزایر سه گانه و خاک ایران رنگ مشتری دارند.
- (6) در سال 1886 دایره اطلاعات دولت انگلیس نقشه ایران را با رنگ پیکان جزایر و خاک ایران تهیه کرده و در 12 ژوئن همان سال این نقشه از سوی وزیر مختار انگلیس در تهران به ناصرالدین شاه تحویل می شود.
- (7) در سال 1908 دولت ایران امتیاز استخراج خاک سرخ سنگ آهن – ابوموسی را به ونگهاوس آلمان می دهد که دولت انگلیس به دلیل تیرگی روابط خود با آلمان به ایوان اعتراض می کند. دولت انگلیس در اعتراض خودخواهان کسب امتیاز استخراج خاک سرخ برای شرکت های انگلیسی است یعنی تأکید بد حاکمیت ایران . و از دهها سند دیگر از جمله احکامی که دولت های وقت ایران برای انتصاب حکام – استانداران – خود در بندر لنگه که شبه جزیره یاد شده بخشی از آن بوده است صرف نظر می کنیم.
- (8) اصلی ترین و تنهاترین سندی که امارات برای اثبات ادعای خود ارائه می کند نامه ای است که شیخ یوسف فرماندار ایرانی بندر لنگه در سال 1882 به شیخ حمید القاسمی حاکم رأس الخیمه می نویسی و در آن به عنوان تعاریف و ابراز ادب که آن هنگام بسیار متداول بوده و در بسیاری از نامه های مشابه دیده می شود. نوشته شده بوده ابوموسی از آن شماست (یعنی در خدمت شما هستیم) .

(9) در حقوق بین الملل و قوانین مربوط به مرزها و سرزمین ها حاکمیت يك کشور بر يك منطقه از چند راه به اثبات می رسد. از جمله مالکیت تاریخی حاکمیت مؤثر یعنی افراشته بودن پرچم نصب حکام حضور نیروی نظامی و ... که تمامی این ملاک ها و معیارهای حقوقی از حاکمیت قطعی ایران بر جزایر سه گانه حکایت دارند.

(10) در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس همراهی بحرین با سایر کشورهای عضو حساب جداگانه ای دارد. زیرا بحرین بخشی از خاک ایران بوده است که در جریان يك زد و بند غیر قانونی میان شاه و دولت های آمریکایی و انگلیس از ایران به سرزمین اصلی و مادری آن یعنی ایران اسلامی است و بدیهی است که این حق مسلم ایران و مردم استان جدا شده آن نباید و نمی توان نادیده گرفته شود.

(11) و اکنون ، با توجه به اسناد یاد شده که از حاکمیت قطعی و بلامنازع ایران بر جزایر سه گانه حکایت می کنند باید به این پرسش بازگشت که انگیزه اصلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از طرح ادعای واهی حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه چیست ؟ و آیا این ادعا می تواند غیر از وحشت آنان از زلزله ای که انقلاب اسلامی بر حکومت های قرون وسطایی و غیر قانونی آن ها انداخته است علت دیگری داشته باشد. تمامی دولت های یاد شده با دخالت مستقیم قدرت های استکباری شکل گرفته اند و مردم کمترین دخالتی در تعیین دولت ، سیاستگذاری ها و تصمیم سازی های آن نداشته و ندارد. از سوی دیگر تمامی دولتهای عضو این شورا در میان مردم خود به همکاری با رژیم صهیونیستی و دستکم بی تفاوتی در مقابل جنایات این رژیم علیه مردم مظلوم فلسطین متهم هستند. حاکمان دولت های یاد شده به خوبی می دانند که در عصر بیداری اسلام – با الگوی انقلاب اسلامی – حاکمیت يك خانواده بر سرنوشت مردم و غارت ذخایر ملی ، امکان پذیر نیست و از آنجا که لرزه منجر به فروپاشی رژیم های غیر قانونی خود را ناشی از الگوی جمهوری اسلامی ایران می دانند. و در این مورد حق دارند دشمنی با ایران اسلامی را به عنوان یکی از اهداف استراتژیک خود برگزینند و چه گزینش خطرناکی ، نه برای ایران که برای حاکمیت خودشان

نتیجه گیری :

بررسی همه جانبه موارد فوق در موارد متعدد دیگر نه تنها حاکی از ادعاهای غیر قانونی امارات متحده عربی نیست به سرزمین های ایرانی و مداخله آشکار در امور داخلی کشور ایران است بلکه نمایانگر این مسئله است که جزایر سه گانه ابوموسی تنب بزرگ و تنب کوچک هم از حیث حقوق تاریخی و هم از دیدگاه حقوق بین الملل متعلق به ملت ایران بوده و هرگونه مذاکره معامله و سازش بر سر این جزیره تعدی به حقوق مسلم تاریخی و بین الملل ملت ایران و در حکم تجاوز به تمامیت ایران است که گناهی نابخشودنی در پیشگاه ملت ایران می باشد.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب نیز باید آگاه باشد که اتخاذ مواضع خصمانه و زیر سؤال بردن موجودیت جغرافیایی و سرزمینی کشور ایران خود را مستقیماً در مقابل ملت ایران قرار داده اند و با توجه به حساسیت ملت بزرگ ایران نسبت به یکپارچگی ملی و سرزمینی و تمامیت اراضی ایران در آینده نزدیک و با وجود حکومتی با اقتدار و مدافع نامشروع و اینگونه اقدامات خصمانه علیه ملت بزرگ ایران باشند . در مورد مسائل و ادعاهای سرزمینی حتی برای يك بار هم نباید تساهل نشان داد و کوتاه آمد که پیامدهای سنگین و خسران باری برای ملت های در بر دارد. عدم درك و توجه به این مسائل توسط مسئولین حاکمیت جمهوری اسلامی موجب درهم شکستن یکی دیگر از خطوط قرمز ملت ایران شد و باعث گردید که حقوق اساسی ملت مورد تعدی و تجاوز بیگانگان قرار بگیرند.

- 1- عقلمند ، احمد . تحلیلی بر اوضاع ژئوپولیتیک و استراتژیک خلیج فارس ، مجموعه مقالات و سمینار بررسی مسائل خلیج فارس ص 391
- 2- همان ، ص ، 393
- 3- حافظ نیا ، محمدرضا ، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز ، ص 19
- 4- افشار سیستانی ، ایرج ، نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی ص 35
- 5- افشار سیستانی ، ایرج – نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی ص 36
- 6- مجتهد زاده پیروز ، جزایر تنب و ابوموسی ، ص 1
- 7- افشار سیستانی ایرج ، همان ، ص 36
- 8- افشار سیستانی ایرج ، جغرافیای تاریخی دریای پارس ، ص 179
- 9- افشار سیستانی ایرج ، نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی ص 40
- 10- هوشنگ مهدوی ، عبدالرضا ، تاریخ روابط خارجی ایران ص 90
- 11- افشار سیستانی ایرج ، نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی ص 41
- 12- افشار سیستانی ، ایرج ، همان ص 41 و 42
- 13- افشار سیستانی – ایرج ، جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک ص 63
- 14- Pax persiqana
- 15- افشار سیستانی – ایرج ، جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک ص 71 و 72
- 16- افشار سیستانی ، ایرج ، جزیره کیش و دریای پارس ص 155
- 17- افشار سیستانی – ایرج ، جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک ص 73 تا 75
- 18- سیاست آریا ایران
- 19- خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز ، محمدرضا حافظ نیا ص 413
- 20- افشار سیستانی ، ایرج ، نام خلیج فارس ص 29
- 21- کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس ص 87
- 22- Beaufre

- 23- افشار سیستانی – ایرج ، جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک ص 41
- 24- هر مایل دریایی 1852 متر است
- 25- اسدی بیژن ، خلیج فارس و مسائل آن ص 55 – 58
- 26- افشار سیستانی ، ایرج ، نام خلیج فارس ص 31
- 27- Subregion
- 28- مجتهد زاده پیروز ، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس ص 41
- 29- افشار سیستانی – ایرج ، جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک ص 43
- 30- مجتهد زاده پیروز ، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولتیک خلیج فارس ص 41
- 31- اسدی بیژن ، خلیج فارس و مسائل آن ص 184
- 32- افشار سیستانی – ایرج ، جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک ص 79
- 33- تنب واژه ای تنگستانی (فارس جنوبی) به معنی تپه است
- 34- Median Line
- 35- خدادادی محمد اسماعیل ، مسائل منطقه ای ایران ، با تأکید بر خلیج فارس ص 2
- 36- اسدی بیژن ، همان ص 185
- 37- مجتهد زاده پیروز ، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولتیک خلیج فارس ص 88
- 38- ماهنامه شهر ما ویژه نامه کیش بهمن 1381 ص
- 39- اسدی بیژن ، همان ص 186
- 40- خدادادی محمد اسماعیل ، همان ص 25
- 41- مجتهد زاده پیروز ، جزایر تنب و ابوموسی ص 38
- 42- خدادادی محمد اسماعیل ، همان ص 25
- 43- مجتهد زاده پیروز ، تاریخ جغرافیای سیاسی جزایر تنب و ابوموسی ، ص 6
- 44- Buttes oil and Gas company
- 45- مجتهد زاده پیروز ، جزایر تنب و ابوموسی ص 40
- 46- مجتهد زاده پیروز ، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس ص 208
- 47- موسی زاده رضا ، بایسته های حقوق بین الملل ص 244

- 48- مقتدر ، هوشنگ ، حقوق بین الملل عمومی ص 245
- 49-
- 50- افشار سیستانی، ایرج – سیاست اعتماد
- 51- افشار سیستانی، ایرج ، نام خلیج فارس ص 128
- 52- افشار سیستانی ایرج ، نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزایر ایران ص 61
- 53- مجتهد زاده پیروز ، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس ص 276
- 54- محمد رضا شاه در مصاحبه با آسوشتید پرس ، کیهان ، شماره 8278 ، 20 فوریه 1971 ص 27
- 55- مجتهد زاده ، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس ص 277
- 56- وضعیت حقوقی جزایر سه گانه ، سازمان ثبت اسناد کشور ، تاریخ 29 آبان 1385
- 57- G.B.Brucks
- 58- روزنامه کیهان ، شماره 18845 تاریخ 18 / 4 / 1386

بن مایه:

- 1- مجتهد زاده پیروز ، تاریخ و جغرافیای سیاسی جزایر تنب و ابوموسی ، اطلای سیاسی ، اقتصادی سال ، 6 شماره 11 و 12 مرداد و شهریور 1371
- 2- عقلمند احمد ، تجلیلی بر اوضاع ژئوپولتیک استراتژیک خلیج فارس ، مجموعه مقالات و سمینارهای بررسی مسائل خلیج فارس
- 3- حافظ نیا محمد رضا ، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز ، تهران ، انتشارات سمت چاپ چهارم پاییز 1384
- 4- افشار سیستانی ایرج ، نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی ، دفتر اطلاعات سیاسی و بین الملل تهران 1381
- 5- مجتهد زاده پیروز ، جزایر تنب و ابوموسی ، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری ، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل ، تهران تابستان 1383
- 6- افشار سیستانی ایرج ، جغرافیای تاریخی دریای پارس ، تهران ، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی 1376
- 7- مهدوی عبدالرضا ، تاریخ روابط خارجی ایران ، تهران ، انتشارات امیرکبیر 1364
- 8- افشار سیستانی ایرج ، جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک ، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل تهران 1380
- 9- افشار سیستانی ایرج ، جزیره کیش و دریای پارس ، تهران ، انتشارات جهان معاصر تابستان 1370
- 10-سایت آریا ایران www.ariyairan.com
- 11-اسدی بیژن ، خلیج فارس و مسائل آن ، سمت ، تهران 1381
- 12-مجتهد زاده پیروز ، امنیت و مسائل سرزمینی خلیج فارس ، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل ، تهران 1380
- 13-خدادادی محمد اسماعیل ، مسائل منطقه ای ایران با تأکید بر خلیج فارس ، چاپ دوم 1383 ، انتشارات یاقوت
- 14-ماهنامه شهرما ، ویژه نامه کیش بهمن 1381

15- افشار سیستمی ایرج ، نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره های ایرانی ، تهران ، کشتی

رانی والفجر هنگ 1376

16- مقتدر هوشنگ ، حقوق بین الملل عمومی ، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ، تهران چاپ

دوازدهم پاییز 1385

17- موسی زاده رضا ، بایسته های حقوق بین المللی عمومی (2 - 1) ، نشر میزان تهران چاپ چهاردهم

پاییز 1380

18- سایت پان شوشیسم www.panshushism.blogfa.com

19 - روزنامه کیهان

20 - روزنامه شرق

21 - روزنامه اعت

panshushism@gmail.com

روح الله پورطالب کارشناس علوم سیاسی